

روز عاشقان

نوشته: معینه مستور مولایی

روز عاشقان بهانه ای است برای کسایکه عاشق اند خوا عاشق هر چه که باشند، عاشق طبیعت، عاشق دریا، عاشق کوه و درخت، عاشق آسمان، عاشق ابر و باران عاشق صدا و نوای آبشاران عاشق نغمه و ناله ی پرندگان و نسبت به آن چیزها و اشیا دیگری که عشق ورزیده اند، چیزهای دیگری که عشق را اند و عشق می آفرینند و از نگریستن در آن آدمی به اوج لذت می رسد. آنچه که وجود آدمی را از شوق و اشتیاق اش به شور و لرزه بیاورد آن "عشق" است، عشق ایکه انسان را در خود محو و فنا می کند و بقا می کند، فرق نمی کند آن عشق از دیدن چه چیز آغاز می شود و چقدر تاثیرات اش روی دل و جان انسان می گذارد .

آنکه از محبت هدیه پی را تقدیم می دارد آن نه تنها یک گل و یا یک عطر است بلکه آن "احساس" یک قلب است آن چیزے بهتری را نیافت که برابر ارزش و اهمیت تو باشدو تقدیمت دارد .

من که از دیدن و نگریستن در چهره ی پهنای طبیعت و دامن کوه و دشت دمن هر روز بیشتر و بیشتر عاشق اش میشوم هدیه ای را بالاتر از عشق ام نسبت به آن تقدیم می دارد که گنجایش آن در آسمان و زمین ممکن نیست.

خداوند(ج) عاشق زیباییهاست و چقدر زیبا آفریده است و شاد از آنست که آفریده شدها(مخلوقاتش) عاشق همدیگر باشند و همچنان عاشق او باشند، مثل، پروانه ها، آدما، بلبلان، گلها و ...

عاشقان همیشه عاشق بمانید زندگی کنید، عشق زیباست !

و من بمناسبت این روز برای تمام عاشقان یک قطعه شعر را طور تحفه تهیه نموده، تقدیم میدارم، امید وارم مورد پسند تان واقع شود .



بر جان و دلم عشق عیان است چو نور

بی عشق شمار زندگانی چون کور

در هر کی دمید عشق جاوید اش دان

هرچند فتاده باشد و مرده ی گور

خورشید صفت گرم کند  دلهارا

گه سوزد و گه پخته کند همچو تنور

ای عشق تو همنشین من باش بیا

میمیرم اگر تو لحظه یی می شوی دور

با نام توجان گیرد هر ذره ی سنگ
انگار ز شوقی تو به رقص آید و شور
در خانه ی این دلم تو خوش آمده بی
سر در گرو ی حکم تو، داری دستور؟
بر خیز ز مهر و عشق پریدن آموز
تا کی تو میان پرده باشی "مستور"
م.. مستور مولایی